

فاطمه شاه آبادی

عیدی امین دادا و اسرائیل

کرد؛ اصلا هدف انگلستان از کمک به امین این بود که به آفریقایی‌ها بفهماند که شما بدون کمک و حضور دولت‌های استعمار هیچ توانایی‌ای ندارید و اگر هم کسی از بین خودتان بر شما حاکم شود چنین بی‌رحم خواهد بود!

پس از روی کار آمدن دادا، اسرائیل از این اتفاق بسیار خرسند بود و انگلستان این مهره خود را به اسرائیل واگذار کرد تا برای تصرف سودان جنوبی و رای مخالف علیه اعراب در سازمان ملل از اوگاندا بهره‌برد.

حکومت امین توسط اسرائیل، آلمان غربی و بریتانیا حمایت می‌شد که حمایت و حضور اسرائیل بیشتر از سایر کشورها بود چراکه اسرائیلی‌ها خوب می‌دانستند که با گسترش نفوذ خود در اوگاندا خواهند توانست به منطقه شرق و تا حدودی مرکز آفریقا مسلط شوند. اسرائیل از هیچ‌گونه کمک‌های مالی و تسلیحاتی به اوگاندا دریغ نمی‌کرد و بسیاری از فرماندهان ارتش این کشور در اسرائیل آموزش می‌دیدند.

یکی از اهداف رژیم صهیونیستی در دوران عیدی امین تحریک امین به حمایت از شورشیان جنوب سودان بود، جنوب سودان حد فاصل کشورهای آفریقای غربی و آفریقای سیاه بود و چنانچه جنوب سودان به استقلال می‌رسید، دامنه نفوذ اسرائیل در شرق و مرکز آفریقا بیش از پیش گسترش می‌یافت و این رژیم به یکی از اهداف استراتژیک خود که همانا دستیابی به رود نیل بود، نزدیک می‌شد. اسرائیل در سال ۲۰۱۰ با استقلال سودان جنوبی به این آرزوی خود رسید.

عیدی امین داد (Idi Amin Dada) در طی یک کودتای نظامی در سال ۱۹۷۱ در اوگاندا به قدرت رسید. کودتایی که اسرائیل و به خصوص انگلیس در آن نقش مهمی ایفا کردند.

امین بر خلاف ابوته (Obote) رئیس‌جمهور برکنار شده اوگاندا که فردی تحصیلکرده، سیاست‌مدار و برجسته بود، فقط تحصیلات ناقص ابتدایی را داشت اما از قدرت جسمی بسیار بالایی برخوردار بود و در ورزش مهارت و توانایی‌های زیادی داشت. وی خیلی زود به ارتش اوگاندا پیوست. در سال ۱۹۵۱ وی عنوان قهرمانی سنگین وزن بوکس در اوگاندا را به دست آورد، عنوانی که تا سال ۱۹۶۰ آن را حفظ کرد.

رئیس ارتش اوگاندا یعنی عیدی امین، توسط دولت استعمارگر انگلستان از قبیله آچلی (Acholi) که در تقابل با قبیله اصلی این کشور یعنی اوگاندا بود، انتخاب شده بود؛ ابوته، رئیس‌جمهور، از قبیله بوگاندا بود و مشخص است که با به راه انداختن اختلافات قبیله‌ای میتوان دسیسه‌های بسیاری را طراحی کرد و سرانجام وقتی ابوته برای شرکت در یک نشست مشترک به سنگاپور سفر کرده بود، با انجام یک کودتای برنامه‌ریزی شده، عیدی امین دادا به قدرت رسید. امین دادا از نظر تحصیلات و طرز فکر به هیچ وجه شبیه ابوته نبود و فقط نظامی‌گری و خشونت را اعمال می‌کرد. دادا که در انگلیس و اسرائیل آموزش نظامی دیده بود، به دلیل اینکه جز خشن‌ترین و بی‌رحم‌ترین افراد ارتش در جنگ انگلستان با کنیا و تانزانیا بود، توانست درجات بالایی را از دولت انگلستان اخذ کند. امین وقتی در اوگاندا به قدرت رسید همین خشونت را بر مردم کشور خویش اعمال



به لندن صورت گرفت.

در سال ۱۹۷۲ همزمان با بحران اقتصادی، اوگاندا روابط خود را به دلیل عدم حمایت مالی انگلیس و اسرائیل (چرا که بدهی اوگاندا به انگلستان و اسرائیل بسیار زیاد شده بود) با این کشور قطع کرد و به کشور لیبی و شوروی روی آورد، معمر قذافی در مقابل به شدت اوگاندا را حمایت مالی کرد و از آن پس شوری بزرگترین حامی نظامی اوگاندا شد.

امین دادا پس از بازگشت از لیبی دستور داد تا سفارت اسرائیل در کشورش بسته شود و جت های MIG که از اسرائیل وارد شده بودند را در اختیار خلبانان فلسطینی قرار داد تا با آنها تمرین کنند. وی همچنین به شدت هیلتر را می ستود و فعالیت های وی را بی نظیر می دانست.

در سال ۱۹۷۳ سفیر آمریکا حکومت امین را نژاد پرست، بی رحم، ناشایست و جنگ طلب خواند و خواهان کاهش حضور آمریکا در این کشور شد.

در سال ۱۹۷۴ فرانسه با انتشار فیلمی مستند ادعا کرد عیدی امین قصد حمله به اسرائیل را دارد.

در همان سال های اول حکومت وی در اوگاندا اختناق شدیدی در این کشور حاکم بود، گفته می شود بین ۱۰۰ تا ۵۰۰ هزار اوگاندایی به وسیله نیروهای امنیتی اوگاندا شکنجه شده و به قتل رسیده اند. کشته شدگان این دوره از همه اقشار بودند، از شهروندان عادی و کشاورزان گرفته تا اعضای کابینه دولت، پزشکان، روزنامه نگاران و دیپلماتها. در مواردی کل یک روستا نابود می شد و ساکنانش به رود نیل انداخته می شدند، ماهی گیران مجبور می شدند برای جلوگیری از مسدود شدن کانالها، کشته شدگان را با تور ماهی گیری، از آب درآورند، این کشتارها به حدی وسیع بود که مردم اوگاندا لقب « قصاب افریقا» را به امین داده بودند؛ گفته شده است که به دستور وی افراد زیادی را به رود نیل می انداخته اند تا طعمه تمساح ها شوند و وی از این کار لذت می برده است.

در دوره حکومت او به تدریج، ارتش گسترش چشم گیری پیدا کرد، بیشتر بودجه کشور از شهرها متوجه ارتش می شد و به علاوه امین تشکیلات امنیتی اختصاصی خود را با ۱۸ هزار عضو تأسیس کرد. در زمینه سیاست خارجی، امین در ابتدا متمایل به غرب بود، به طوری که نخستین سفر خارجی وی به اسرائیل بود و سفر بعدی اش





میکنند، به قتل برسانند. وی همچنین ادعا کرد که بخشی از سودان جنوبی و کنیا در زمان استعمار متعلق به اوگاندا بوده است اما وقتی با مقاومت قاطع سران این کشورها مواجهه شد از ادعای خود عقب نشست.

پس از بحران های اقتصادی متعدد و شانه خالی کردن سازمان و ارگان های این کشور در جهت بهبود اوضاع، در سال ۱۹۷۷ اقتصاد و زیر ساخت های اوگاندا سقوط چشمگیری داشتند و به دنبال آن تعداد زیادی از وزرای امین فرار کردند و یا پناهنده شدند. همچنین در نوامبر ۱۹۷۸ تصادف نخست وزیر امین «مصطفی ادیسی» در یک تصادف رانندگی و مصدوم شدن وی، موجب شورش نیروهای وفادار به وی شد که امین دستور مقابله با آنها و سرکوب شان را صادر کرد، برخی از نیروهای معترض از مرز به تانزانیا گریختند. امین رئیس جمهور تانزانیا جولیس نی ری (Julius Nyerere) را محکوم و سپس دستور حمله به این کشور را صادر کرد و این آغازی بود بر پایان حکومت امین دادا در اوگاندا.

یکی دیگر از اقدامات عیدی امین در سال ۱۹۷۶ این بود که اجازه داد که هواپیمای ایرفرانس، ربهود شد توسط یکی از گروهک های فلسطینی در فرودگاه انتبه (Entebbe) بنشینند. به محض فرود ۱۵۶ سرنشین این هواپیما که پاسپورت غیراسرائیلی داشتند، آزاد شدند اما ۸۳ نفری که یهودی بودند و پاسپورت اسرائیلی داشتند و به علاوه کسانی که حاضر نشدند این ۸۳ نفر را ترک کنند (خلبان، کابینه و ...) به عنوان گروگان نگه داشته شدند. اسرائیل نیز در طی عملیات انتبه، گروهی از کماندوهای خود را به فرودگاه انتبه فرستاد تا کنترل فرودگاه را در دست بگیرند. ۳ گروگان در حین عملیات کشته و ۱۰ نفر زخمی شدند. ۴۵ سرباز اوگاندایی و ۱ سرباز اسرائیلی نیز در درگیری ها کشته شدند. برای جبران این کشتار یک گروگان و یک زن یهودی انگلیسی که برای مداوا به بیمارستان برده شده بودند در همانجا به قتل رسیدند. این اتفاق سبب شد که روابط بین المللی اوگاندا بدتر شود، انگلستان کمیسیون عالی خود را در اوگاندا تعطیل کرد.

امین همچنین دستور داد تا صدها کنیایی ای را که در اوگاندا زندگی





هم عملا هیچ حامی ای نداشت.

در اکتبر ۱۹۷۸ درست ۵ ماه قبل از شروع جنگ با تانزانیا؛ جیمی کارتر، رئیس جمهور آمریکا تحریم هایی را علیه اوگاندا امضا کرد و هرگونه خرید و فروش با این کشور ممنوع شد. این تحریم ها موجب نابودی تدریجی اقتصاد تک محصولی وابسته به قهوه اوگاندا شد. وقتی امین وارد جنگ با تانزانیا شد و رئیس جمهور تانزانیا مخالفان پناهنده وی را سامان دهی کرد، دیگر راه فراری برای امین وجود نداشت، چراکه تحریم ها او را در تنگنا قرار داده بودند و از طرفی مردم کشورش نیز از او حمایتی نمی کردند، دولت اسرائیل و انگلستان نیز به دنبال برکناری دست نشانده پیشین خود بودند تا بار دیگر به سیاهان ثابت کنند که اگر با ما نباشید به زودی سقوط خواهید کرد.

در مقابل نی رر نیروهای دفاع مردمی را بسیج کرد و با کمک چندین گروه که از اوگاندا فرار کرده و ارتش آزادی خواه ملی اوگاندا (UNLA) را تشکیل داده بودند با ارتش اوگاندا مبارزه کرد. با وجود حمایت ارتش معمر قذافی از اوگاندا بعد از گذشت حدودا ۳ ماه از درگیری، عیدی امین مجبور شد تا با هلیکوپتر به لیبی فرار کند. اما این همه ماجرا نبود، عیدی امین دادا به دلیل مقابله با اسرائیل و حمایت از فلسطین در واقع به مقابله با غرب و دولت های استعماری برخاسته بود اما به علت نداشتن دانش کافی در کنترل کشور، دیکتاتوری مستبدانه اش و خشونت و بی رحمی علیه مردم کشورش، مردمی که بعضا به علت خروج قهوه از مرز برای فروش با قیمتی بالاتر به قتل میرسیدند، نتوانست خدمتی به کشورش بکند، یعنی در داخل

